

به نام مهربان ترین

پیچ عباس آباد

www.ketab.ir

لطیف و صلی

رِفا
نشر رافا



سرشناسه	:	وصلی، لطیف، ۱۳۳۳-
عنوان و نام پدیدآور	:	پیچ عباس آباد/لطیف وصلی.
مشخصات نشر	:	رشت: انتشارات رافا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۸ ص: مصور (بخش رنگی)، عکس؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-622-97146-8-3
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	وصلی، لطیف، ۱۳۳۳ - -- خاطرات
موضوع	:	خودسرگذشتنامه‌های داستانی فارسی
موضوع	:	Autobiographical fiction, Persian
رده بندی کنگره	:	PIR8363
رده بندی دیویی	:	۸۴۳/۶۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۵۰۲۵۳۹
وضعیت رکورد	:	فیبا

www.ketab.ir



※ پیچ عباس آباد ※ لطیف وصلی

※ چاپ اول: ۱۳۹۹ ※ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

※ حروف نگاری و آماده سازی: کارگاه نشر رافا

※ همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.

※ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۱۴۶-۸-۳

نشر رافا: رشت، خ صفاری، خ داور، شماره ۱۱۸

تلفن: ۰۹۳۸ ۸۰۴ ۴۰۳۵

www.rafabook.ir

فهرست

شرح	صفحه
مقدمه	۵
یادداشت آقای اکبر اکیسر (شاعر طنز پرداز صاحب سبک فرانو)	۷
یادداشت آقای دکتر کمال بیگدلی (تقریظی بر داستان)	۹
یادداشت خانم کسرین توانایی (شاعره آستارایی)	۱۱
یادداشت خانم آرزو جوهری (منتقد و کتاب خوان نمونه‌ی کشوری)	۱۳
۱- صبح روز سفر	۱۵
۲- بدرود "آستارا" زادگاه زیبای من	۱۸
۳- تصادف	۲۷
۴- تا بیمارستان شهر	۳۱
۵- غوغا در بیمارستان	۳۵
۶- خبر تصادف	۳۹
۷- من هنوز زنده‌ام	۴۳
۸- اطلاع به خانواده‌ی مصدوم نیمه جان	۵۱

۶۰	۹- انتظار
۶۴	۱۰- مسافران رشت
۶۶	۱۱- هفت روز در بیمارستان
۷۶	۱۲- در منزل پدر
۸۷	۱۳- آستارا تا تهران (و خاطره‌ی تابستان سال چهل و نه)
۹۵	۱۴- شورای عالی پزشکی (و خاطره‌ی خردادماه سال پنجاه)
۱۰۱	۱۵- به دنبال دلدار سفر کرده
۱۰۶	۱۶- یاد گذشته (و خاطره‌ی گیلده)
۱۲۸	۱۷- سفر مسکو
۱۳۲	۱۸- تصادف پیچ پالاسی
۱۴۱	۱۹- تصادف سه‌راه بستان‌آباد
۱۵۸	۲۰- ادامه تصادف سه راه بستان‌آباد (و خاطره‌ی سفر به بندر انزلی)
۱۸۱	۲۱- از بندرعباس تا تبریز
۱۹۱	آلبوم تصاویر

مقدمه

آنچه پیش رو دارید، روایت رخدادهایی ست واقعی که هر کدام به تنهایی می‌توانست به ادامه‌ی حیات من در این دنیای فانی، پایان دهد. این‌که چرا باید از این رخدادها جان سالم به در برده باشم، به یقین مشیت الهی و سرنوشتی است که قادر متعال برایم رقم زده است.

بنده نه ادعای نوشتن دارم و نه رشته‌های تحصیلی‌ام (دیپلم ریاضی-مهندسی مخابرات و فوق‌لیسانس مدیریت اجرایی) مرتبط با آن است، بنابراین این نوشته، با معیارهای ادبی، قابل سنجش نبوده و در این صورت بعید است نمره‌ی قبولی اخراز کند.

آنچه که شاید در این سطور جالب باشد، همانا بازگویی خودمانی این رخدادهاست همراه با حواشی و چاشنی‌های طنز، آن‌گونه که از دل برآمده و امید که به این دلیل هم بر دل نشیند.

سیب‌ساز انتشار این نوشته با تاخیر زمانی چند دهه از وقوع حوادث، نظر دوستان و اطرافیانی بود که بنده را به این اقدام تشویق کردند و امیدوارم مورد پذیرش و مقبول شما نیز واقع گردد.